

مبحث دوم

مجلس ملی (۱)

بموجب ماده ۲۰ قانون اساسی مورخ ۱۸۴۸ پارلمان فرانسه را مجلس واحدی موسوم به مجلس ملی تشکیل میداد. مجموع نمایندگان مجلس مزبور بالغ بر ۷۵ نفر بود که ۷۳۴ نفر را شهرستانهای اروپائی و بقیه ۱۶ نفر را الجزایر و مستعمرات فرانسه انتخاب میکردند. هر يك از شهرستانها يك حوزه انتخابیه تشکیل میداد. عده نمایندگان که در حوزه های انتخابیه تعیین میشدند متناسب با تعداد سکنه آن حوزه ها بود. انتخابات عمومی مستقیم و سری بود بدین معنی که تمام اتباع فرانسه باستثناء اشخاصیکه بموجب احکام قطعی دادگاهها از حقوق مدنی و سیاسی محروم گردیده بودند در سن ۲۱ سالگی بدون پرداخت مالیات با شش ماه اقامت در حوزه انتخابیه بطور مستقیم چند نفر را بنماینده گی مجلس ملی انتخاب میکردند.

و اما ماده ۲۷ قانون اساسی مورد بحث به مجلس ملی اجازه میداد که بموجب يك قانون متعارفی مستثنیاتی از اصل کلی مندرج بالا قائل شده و پاره اشخاص را از حق رأی دادن و انتخاب شدن محروم کند. نظر به ماده مذکور در فوق قانونی در ۱۸۴۹ به تصویب رسید که بموجب آن علاوه بر کسانی که بموجب احکام قطعی محاکم از حقوق مدنی و سیاسی محروم شده بودند اشخاص ذیل نیز نمیتوانستند از حق رأی استفاده کنند:

- ۱- اشخاصیکه بموجب حکم محاکم جنحه از حق رأی محروم شده بودند.
- ۲- اشخاصیکه با اتهام ارتکاب جنایت محکومیت بحبس پیدا کرده بودند.
- ۳- کسانی که با اتهام سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، اختلاس اموال دولتی یا عملیات منافی عفت به سه ماه لا اقل حبس محکوم شده بودند.
- ۴- اشخاصیکه برای رباخواری محکومیت پیدا کرده بودند.
- ۵- ورشکستگان به تقصیر.
- ۶- اشخاصیکه از تصرف در اموال خود ممنوع بودند.

بموجب ماده ۲۷ قانون اساسی مورد بحث تمام انتخاب کنندگان بدون رعایت شرط اقامت در حوزه انتخابیه در سن ۲۵ سالگی حق داشتند بنمایندگی مجلس ملی انتخاب شوند. بطور کلی مشاغل دولتی با عضویت مجلس ما نعة الجمع بود بدینمعنی که مأمورین دولت که بنمایندگی انتخاب میشدند ملزم بودند قبل از تصویب اعتبارنامه های نمایندگی از شغل خود استعفاء بدهند و در غیر اینصورت از مأموریت دولت معزول گردیده و در نمایندگی باقی میماندند و اما برخلاف این اصل کلی طبق ماده ۸۵ قانون انتخابات مورخ ۱۸۴۹ وزراء، دادستان دیوان کشور، دادستان محکمه استیناف پاریس، فرماندار ایالت سن (۱)، استادان دانشگاه پاریس، اشخاصیکه از طرف دولت مأمور انجام وظیفه موقت (حد اکثر تا شش ماه) میشدند و همچنین فرمانده گارد ملی ایالت سن مجاز بودند با حفظ شغل خود در مجلس ملی عضویت داشته باشند. و اما بموجب ماده ۸۱ قانون انتخابات مأمورین مذکور در ذیل دولت و پاره مأمورین دیگر در حوزه مأموریت خود از انتخاب شدن بنمایندگی مجلس ملی بطور مطلق ممنوع بودند:

۱- رؤسای کل و رؤسای شعب و اعضای دادسرای محاکم استیناف .
 ۲- رؤساء و معاونین، بازپرسان و اعضای دادسرای محاکم بدایت .
 ۳- فرمانداران، رؤسای شهر بانی، بخشداران، دبیران کل و اعضای شورای فرمانداری .

۴- مأمورین عالی مقام دارائی .

۵- سر مهندسین شهرستانها و مهندسین بخش .

۶- رؤساء و بازرسان فرهنگ .

۷- مدیران مدارس ابتدائی .

۸- روحانیون عالی مقام (۲) .

بعلاوه اشخاصیکه با دولت فرانسه قرارداد مقاطعه کاری منعقد ساخته بودند و همچنین رؤسای راه آهن از حق انتخاب شدن در تمام حوزه ها ممنوع بودند .

۱- préfet de la Seine

۲- archevêques, évêques, vicaires généraux

جلسات مجلس ملی دائمی بود معذلك مجلس ميتوانست به صلاحديد خویش جلسات خود را برای مدت معينی تعطيل کند. در صورت تعطيل کمیسیوني مرکب از اعضای هیئت رئیس و ۲۵ نفر نماینده از طرف مجلس ملی برای مخفی و با کثريت مطلق آراء انتخاب میشدند که در موارد ضروري نمایندگان را برای تشکیل جلسات فوق العاده مجلس دعوت نمایند. رئیس جمهوری نیز مجاز بود در ایام تعطيل مجلس را بطور فوق العاده منعقد کند. اعضای مجلس ملی از طرف تمام شهرستانها نمایندگی داشتند نه فقط از طرف شهرستانهایی که آنها را انتخاب کرده بودند.

نمایندگان مجلس مجاز نبودند از موکلین خود دستور العمل (۱) دریافت دارند. نمایندگان مجلس ملی با آزادی خلل ناپذیر ميتوانستند در مجلس اظهاراتی کنند و رأی دهند بقسمی که مقامات دولتی و اشخاص حق نداشتند آنها را بواسطه نطقی که در مجلس ایراد کرده بودند و رأیی که داده بودند نه در دوره قانونگذاری و نه بعد از دوره نمایندگی تعقیب نمایند. در امور جزائی نیز مقامات مربوطه حق نداشتند نمایندگان مجلس ملی را دستگیر و تعقیب کنند مگر با اجازه اکثریت مجلس ولی در مورد جرائم مشهوده بازداشت و تعقیب نماینده مجاز بود و در این مورد هم مقامات وابسته موظف بودند مراتب را باستحضار مجلس ملی برسانند. نمایندگان برای سه سال انتخاب میشدند. ۴۵ روز لا اقل قبل از انقضای دوره قانونگذاری تاریخ انتخابات جدید بموجب قانون معین میگردد و اگر بفرض مجال مجلس ملی از تصویب چنین قانونی خودداری میکرد در این حال رأی دهندگان قانوناً محق بودند سی روز مانده به آخر دوره قانونگذاری به انتخاب نمایندگان خود مبادرت کنند. مجلس جدید یکروز بعد از انقضای دوره مجلس سابق منعقد میگردد.

نمایندگان مجلس ملی از خزانه دولت مقرری دریافت میداشتند و ميتوانستند از قبول آن امتناع کنند. جلسات مجلس ملی علنی بود معذلك مجلس ميتوانست بنا به تقاضای جمعی از نمایندگان که عده آنرا قرار بود نظامنامه داخلی معین کند جلسه محرمانه تشکیل دهد. هر يك از نمایندگان حق داشت طرحهای قانونی تهیه و برای شور و مذاکره به مجلس تقدیم کند. در موقع اخذ رأی حضور نصف بعلاوه يك مجموع نمایندگان در جلسه مجلس ضروري بود. بجز موارد ضروري کلیه لوایح و طرحهای

قانونی بایستی سه مرتبه بفاصله لااقل پنج روز مورد شور و مذاکره واقع گردد. وزراء در مقابل مجلس ملی مسئولیت سیاسی داشتند بدین معنی که مجلس میتواند با کثرت آراء آنها را وادار باستعفاء کند.

مبحث سوم

ریاست جمهوری - وزراء - شورای دولتی - تقسیمات کشور

قانون اساسی ۱۸۴۸ (ماده ۴۳) ریاست قوه مجریه را به رئیس جمهوری تفویض کرده بود. رئیس جمهوری بایستی هنگام تولد تبعه فرانسه بوده باشد بعبارت دیگر اشخاصی که تابعیت فرانسه را قبول کرده بودند از انتخاب شدن بمقام ریاست جمهوری ممنوع بودند بعلاوه سن رئیس جمهوری نبایستی کمتر از سی سال باشد. رئیس جمهوری برای چهار سال انتخاب میشد و انتخاب او فقط پس از چهار سال فاصله قابل تجدید بود. بعد از انقضای مدت مأموریت رئیس جمهوری در ظرف مدت چهار سال معاون وی و همچنین اقوام نسبی و سببی او تا درجه ششم نمیتوانستند بر ریاست جمهوری انتخاب شوند. انتخاب رئیس جمهوری در دومین یکشنبه ماه مه بعمل میآمد. وی برای مخفی بطور مستقیم و با کثرت مطلق آراء کلیه رأی دهندگان شهرستانهای اروپائی فرانسه و الجزایر انتخاب میشد. صورت مجالس انتخابات به مجلس ملی ارسال و مجلس مزبور پس از تأیید صحت انتخابات نتیجه آنرا اعلام میکرد و چنانچه هیچکدام از داوطلبان حائز اکثریت مطلق آراء نبوده و دو میایون لااقل رأی نداشت و یا بالاخره واجد شرایط قانونی نبود در هر يك از این سه مورد مجلس ملی از بین پنج نفر داوطلب که بیشتر از داوطلبان دیگر رأی داشتند یک نفر را برآی مخفی و با کثرت آراء بر ریاست جمهوری انتخاب میکرد. قبل از مبادرت بانجام وظائف محوله رئیس جمهوری بایستی در مجلس ملی حضور بهم رسانیده بشرح زیر قسم یاد کند:

« در حضور خداوند و در مقابل ملت فرانسه که نمایندگی آن با مجلس ملی است قسم یاد میکنم به جمهوری دمکراتیک واحد و غیر قابل تقسیم وفادار بوده و کلیه وظائفی را که قانون اساسی به من محول نموده است انجام دهم » .
اهم وظائف رئیس جمهور بشرح ذیل بود :

- ۱- رئیس جمهوری وزرا را انتخاب و عزل مینمود. عده وزراء و وظائف آنها بموجب قانون معین میگردد.
- ۲- رئیس جمهوری پس از جلب نظر مشورتی هیئت وزیران مأمورین سیاسی فرانسه در ممالک بیگانه - فرماندهان نیروی زمینی و دریائی - فرمانده گارد ملی ایالت سن - فرمانداران ولایات اروپائی فرانسه - فرمانداران الجزایر و مستعمرات فرانسه - دادستانها و سایر مأمورین عالی مقام دولتی را تعیین و عزل مینمود. رئیس جمهوری سایر مأمورین دولت را بر طبق پیشنهاد وزراء انتصاب و عزل مینمود.
- ۳- رئیس جمهوری مجاز بود مأمورین قوه مجریه را که از طرف مردم انتخاب میشدند برای مدت حداکثر سه ماه از کار برکنار کند و همچنین میتواند آنها را بشرط جلب نظر شورای دولتی از خدمت منقصل نماید.
- ۴- رئیس جمهوری نیروی مسلح فرانسه را در اختیار داشت ولی شخصاً نمیتوانست فرماندهی آنها را بعهده بگیرد.
- ۵- رئیس جمهوری سفرای کبار و سایر نمایندگان سیاسی ممالک بیگانه را میپذیرفت. سفرای کبار و سایر نمایندگان سیاسی فرانسه در خارجه بنمایندگی رئیس جمهوری انجام وظیفه میکردند.
- ۶- رئیس جمهوری عهدنامه های بین المللی را منعقد میساخت ولی هیچیک از عهدنامه های مزبور قطعی نبود مگر پس از تصویب مجلس ملی.
- ۷- رئیس جمهوری با جلب موافقت مجلس ملی اعلان جنگ میداد.
- ۸- حق پیشنهاد لوایح قانونی با رئیس جمهوری و مجلس ملی بود.
- ۹- رئیس جمهوری بنام ملت فرانسه قوانین فوری را در مدت سه روز و سایر قوانین را در ظرف یکماه از تاریخ تصویب ابلاغ میکرد. در ظرف مدتی که برای ابلاغ قوانین مقرر گردیده بود رئیس جمهوری میتواند بوسیله پیام از مجلس ملی تقاضا کند که قانون مصوب را مورد تجدید نظر قرار دهد و اگر مجلس ملی همان قانون را یکبار دیگر تصویب میکرد در این صورت رئیس جمهوری ملزم بود آن قانون را مانند يك قانون فوری در ظرف سه روز ابلاغ کند و در صورت امتناع ریاست جمهوری از ابلاغ قانونی که دودفعه به تصویب مجلس ملی رسیده بود رئیس مجلس حق و وظیفه داشت آن قانون را ابلاغ و بموقع اجرا بگذارد.

۱۰- اعلان حکومت نظامی مستلزم موافقت مجلس ملی بود.

۱۱- اقدام رئیس جمهوری مبنی بر انحلال یا تعطیل یا هر گونه عملی که مانع کارهای مجلس ملی میشد خیانت به کشور محسوب میشد و بر اثر چنین اقدامی وی بحکم قانون اساسی از مقام خود منفصل شده و قوه مجریه به مجلس ملی انتقال می یافت و دیوان عالی دادگستری بلادرنگ برای محاکمه رئیس جمهوری و همداستان او تشکیل میشد.

۱۲- رئیس جمهوری حق عفو خصوصی و تخفیف مجازات را داشت ولی اعمال این حق مستلزم جلب نظر مشورتی شورای دولتی بود. عفو عمومی بوسیله قانون بعمل می آمد. عفو و تخفیف مجازات رؤسای جمهور و وزراء و سایر اشخاصیکه از طرف دادگاهها محکوم میشدند منوط به موافقت مجلس ملی بود.

رئیس جمهوری موظف بود هر سال بوسیله پیام وضع عمومی کشور را باستحضار مجلس ملی برساند. کلیه اقدامات رئیس جمهوری بجز فرمان انتصاب و عزل اعضا، هیئت دولت بدون امضای یکی از وزراء بلا اثر بود. رئیس جمهوری سالی ششصد هزار فرانک مقرری دریافت میداشت بعلاوه هزینه خانه مسکونی او بعهده دولت بود. رئیس جمهوری نمیتوانست از خاک فرانسه خارج شود مگر با اجازه مجلس ملی. در صورت فوت یا استعفاء رئیس جمهوری در مدت یکماه اقدام به انتخاب رئیس جدید میشد.

رئیس جمهوری يك قائم مقام داشت که مجلس ملی از بین سه نفر که وی پیشنهاد میکرد انتخاب مینمود. نایب رئیس نیز مانند رئیس جمهوری قبل از مبادرت به انجام وظائف خود قسم وفاداری نسبت به حکومت جمهوری یاد میکرد. در صورت عدم توانائی رئیس جمهوری برای انجام وظائف خود نایب رئیس وظائف ریاست جمهوری را انجام میداد.

مطابق قانون اساسی سال ۱۸۴۸ در فرانسه هیئتی بنام شورای دولتی (۱) وجود داشت که ریاست آن با نایب رئیس جمهوری بود. اعضای شورای دولتی را مجلس ملی برای مخفی و اکثریت آراء انتخاب میکرد. دوره مأموریت اعضای شورای دولتی شش سال بود و هر سه سال انتخاب نصف آنها تجدید میشد. تجدید انتخاب

اعضای شورای مزبور مانع قانونی نداشت. عزل اعضای شورای دولتی بنا به پیشنهاد رئیس جمهوری و طبق تصمیم مجلس ملی بعمل میآمد. دولت وظیفه داشت که نظر مشورتی شورای دولتی را درباره کلیه لوایح قانونی که به مجلس ملی پیشنهاد میشد بخواهد بعلاوه شورای دولتی در خصوص طرحهای قانونی که نمایندگان به مجلس ملی تقدیم میکردند اظهار نظر میکرد و نیز شورای دولتی وظیفه داشت که نظامنامه های اجرای قوانین مصوب را تنظیم کند و در عملیات ادارات دولتی نظارت داشته باشد. علاوه بر وظائف مذکور در فوق مجلس ملی میتواندست وظائف دیگری نیز برای شورای دولتی قائل شود.

کشور فرانسه به شهرستانها (۱) تقسیم میشد و هر شهرستان مرکب از چند بخش (۲) و هر بخش مرکب از چند بلوک (۳) و هر بلوک مرکب از چند دهستان (۴) بود. سازمان اداری هر یک از شهرستانها را یک فرماندار (۵) یک شورای شهرستان (۶) و یک شورای فرمانداری (۷) تشکیل میدادند. در رأس هر بخش یک بخشدار (۸) قرار گرفته بود. در هر بلوک یک شورای بلوک (۹) دایر بود ولی در شهرهاییکه بچند بلوک تقسیم میشد فقط یک شورا تشکیل میگردد. سازمان اداری هر دهستان عبارت بود از یک دهه دار (۱۰) و معاونین او و یک شورای دهستان (۱۱). انتخاب اعضای شوراهای شهرستان و شوراهای بلوک و دهستان بطور مستقیم بعمل میآمد. طرز انتخاب اعضای شورای شهرستان سن و شهر پاریس و شهرهاییکه متجاوز از بیست هزار جمعیت داشتند تابع مقررات خاصی بود. رئیس جمهور حق داشت پس از جلب نظر مشورتی شورای دولتی شوراهای شهرستان و شوراهای بلوک و دهستانرا منحل کند.

مبحث چهارم

محاکم - تجدید نظر در قانون اساسی

قضاوت بنام ملت فرانسه بعمل میآمد. جلسات محاکم علنی بود مگر در مواردیکه

arrondissement - ۲	département - ۱
commune - ۴	canton - ۳
Conseil général - ۶	préfet - ۵
sous - préfet - ۸	Conseil de préfecture - ۷
maire - ۱۰	Conseil cantonal - ۹
	Conseil communal - ۱۱

علنی بودن آنها از لحاظ مصالح کشور و جلوگیری از انتشارات منافعی اخلاق عمومی ضروری تشخیص داده میشد. محاکم جنائی و همچنین محاکم جنحه که با اتهامات سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی میکردند با حضور هیئت منصفه تشکیل میشد. امنای صلح - اعضای محاکم بدایت - مستشاران محاکم استیناف - مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات از طرف رئیس جمهوری انتخاب میشدند. قضات مذکور در فوق بجز امنای صلح مادام العمر تعیین میشدند و عزل و انفصال موقت آنها مستلزم حکم محاکم صلاحیتدار بود. ماده ۸۸ قانون اساسی ۱۸۴۸ مقرر میداشت که محاکم نظام (۱) و دادگاههای تجدید نظر و محاکم تجارت و سایر دادگاههای اختصاصی که قبل از انقلاب سال ۱۸۴۸ دایر بود با سازمان و وظائفی که داشتند باقی بمانند مگر اینکه مجلس ملی به موجب يك قانون متعارفی در تشکیلات و وظائف آنها تغییراتی بعمل آورد. کلیه اختلافات حاصله بین محاکم و مقامات اداری بوسیله دادگاه مخصوصی که اعضای آنرا دیوان کشور و شورای دولتی از بین مستشاران خود برای مدت سه سال انتخاب مینمودند حل و فصل میشد. ریاست این دادگاه با وزیر دادگستری بود.

قرار تعقیب رئیس جمهور و وزیران را مجلس ملی صادر و دادگاه عالی دادگستری آنها را محاکمه میکرد. همچنین مجلس ملی کلیه متهمین بارتکاب جنایت و سوء قصد یا توطئه بر علیه امنیت داخلی و خارجی کشور را برای محاکمه بدادگاه عالی دادگستری تسلیم مینمود. دادگاه عالی دادگستری را پنج قاضی اصلی دو قاضی علی البدل و شش عضو اصلی و چهار عضو علی البدل هیئت منصفه تشکیل میدادند. قضات اصلی و علی البدل دادگاه مزبور را دیوان کشور برای مدت یکسال برای مخفی و با کثرت مطلق آراء از بین اعضای خود انتخاب میکرد. پنج قاضی اصلی از بین خود یک نفر را بریاست دادگاه انتخاب میکردند. اعضای اصلی و علی البدل هیئت منصفه از بین اعضای شوراهای شهرستانها انتخاب میشدند بهر حال انتخاب نمایندگان مجلس ملی به عضویت هیئت منصفه ممنوع بود. اعضای دادرای دادگاه عالی دادگستری را رئیس جمهوری تعیین میکرد. قرار هیئت منصفه مبنی بر مجرمیت متهم مستلزم موافقت دو نلک اعضا آن بود.

تجدید نظر در قانون اساسی تابع مقررات ذیل بود :

چنانچه مجلس ملی در سال سوم دوره قانونگذاری لزوم تغییر قانون اساسی یا تجدید نظر در بعضی مواد آنرا تشخیص میداد موضوع سه بار بفاصله هر دفعه یکماه مورد شور واقع گردیده و نمایندگان مجلس که عده آنها نبایستی کمتر از پانصد نفر باشد با کثرت سه ربع آراء تصمیم بروضع قانون اساسی جدید یا تجدید نظر درباره مواد قانون اساسی موجود میگرفتند سپس مجلس مخصوصی (مؤسسان) برای تغییر قانون اساسی تشکیل میشد . مجلس مزبور که عده نمایندگان آن بایستی بالغ بر نهصد نفر باشد ملزم بود در ظرف مدت سه ماه از تاریخ انعقاد تغییرات لازم در قانون اساسی را بعمل آورده و انحلال خود را اعلام کند .

فصل پنجم

گودتای ۱۸۵۱ و قانون اساسی ۱۸۵۲

مبحث اول

گودتا - رفراندوم (۱) - تصویب قانون اساسی جدید

پس از تصویب قانون اساسی ۱۸۴۸ مجلس مؤسسان در دوم ماه مه ۱۸۴۹ انحلال خود را اعلام نمود و طبق مقررات قانون اساسی جدید مجلس دیگری بنام مجلس ملی منعقد گردید. اکثریت مجلس ملی را مخالفین حکومت جمهوری و هواخواهان رژیم سلطنتی تشکیل میدادند. چون در انتخابات فرعی آوریل ۱۸۵۰ عناصر تندرو بنمایندگی انتخاب شده بودند و نمایندگان اکثریت مجلس ملی این نگرانی را داشتند که در انتخابات عمومی ۱۸۵۲ اکثریت بدست نمایندگان دست چپ بیفتد در صدد چاره جوئی برآمده و تصمیم گرفتند که قانون انتخابات ۱۸۴۹ را تغییر دهند. چون انتخابات عمومی در قانون اساسی پیش بینی شده بود و مجلس ملی نمیتوانست مأخذ تمول را برای شرکت در انتخابات برقرار کند بنابراین نمایندگان اکثریت مجلس در ۳۱ ماه مه ۱۸۵۱ قانونی تصویب نمودند که بموجب آن برای رأی دادن سه سال اقامت در حوزه انتخابیه ضروری بود در صورتیکه مطابق قانون انتخابات ۱۵ مارس ۱۸۴۹ برای شرکت در انتخابات شش ماه اقامت کافی بود. منظور واضعین قانون جدید این بود که کارگران سیار که برای پیدا کردن کار از محلی بمحل دیگر نقل مکان میکردند نتوانند در انتخابات مجلس ملی شرکت کنند. در نتیجه اجرای این قانون سه میلیون نفر از رأی دادن محروم شدند. چون لوئی ناپلئون با این قانون مخالف بود و از طرفی هم نمیتوانست از حق و تو یعنی عدم توشیح و ابلاغ قوانین مصوب مجلس ملی استفاده کند لذا طبق ماده ۵۸ قانون اساسی بوسیله پیام از مجلس تقاضا نمود که در قانون مزبور تجدید نظر کند ولی مجلس ملی قانون جدید

انتخابات را تأیید نمود که نتیجتاً رئیس جمهور مجبور شد آن قانون را توشیح و ابلاغ کند.

گذشته از این چون لوئی ناپلئون که دوره سه ساله ریاست او در نهم ماه دسامبر ۱۸۵۲ پایان مییافت مطابق ماده ۵۵، قانون اساسی نمیتوانست بدون فاصله یکبار دیگر بر ریاست جمهوری انتخاب شود از طرفی هم تغییر ماده مزبور نظر به دسته بندیهای سیاسی آن زمان مشکل و حتی غیر مقدور بنظر میرسید نامبرده در روز دوم دسامبر ۱۸۵۱ فرمانی صادر نمود که حاکی از اقدامات ذیل بود:

- ۱- برقراری حکومت نظامی (۱).
 - ۲- الغای قانون انتخابات مورخ ۳۱ ماه مه ۱۸۵۱.
 - ۳- انحلال مجلس ملی و تجدید انتخابات مجلس مزبور.
 - ۴- انحلال شورای دولتی.
- بعلاوه لوئی ناپلئون چند ماده قانون اساسی را مورد تجدید نظر قرار داده و تصویب آنرا به آراء عمومی ارجاع نمود. مواد مورد تجدید نظر از این قرار بود:
- ۱- انتخاب رئیس جمهور برای مدت ده سال.
 - ۲- تشکیل مجلس سنای حافظ و نگهبان قانون اساسی.
 - ۳- تشکیل شورای دولتی جدید برای تهیه قوانین و دفاع از آن در مجلس ملی.
 - ۴- الغای انتخابات جمعی و استقرار انتخابات فردی.
 - ۵- مسئولیت سیاسی وزراء در مقابل رئیس جمهوری.
- این بود پنج اصلی که قانون اساسی جدید فرانسه میبایست بر اساس آن تنظیم شود.

کودتای ۲ دسامبر و بازداشت مخالفین مؤثر و متنفذ لوئی ناپلئون از قبیل ژنرال کاونیاک (۲) و تییر (۳) تاریخ نویس و در جل سیاسی نامی فرانسه، عصبانیت کم نظیری در محافل سیاسی پاریس و شهرستانها ایجاد نموده و منجر به شورش گردید. هر چند ماده ۹۱ قانون اساسی دیوان عالی دادگستری را موظف میکرد که لوئی ناپلئون را برای نقض قانون اساسی مجاکم کند ولی نظر به اوضاع و احوال آن زمان تشکیل

محکمه نه تنها مشکل بلکه غیرمقدور بود. نمایندگان مجلس ملی که هنوز توقیف نشده بودند از جمله ویکتورهاگو (۱) مردم را تحریک بمقاومت مینمودند که نتیجتاً در پاریس و شهرستانها حوادث خونینی بوقوع پیوست و دولت بانهایت شدت و حدت توانست عصیان را خاموش و مسببین و محرکین را اعدام یا به مستعمرات دور افتاده تبعید کند.

و اما در فرانسو میکه در روزهای ۲۰ و ۲۱ دسامبر ۱۸۵۱ بعمل آمد از رأی - دهندگان تقاضا شد که به سؤال ذیل جواب بدهند :

« آیا ملت فرانسه با ادامه حکومت لوئی ناپلئون بوناپارت موافق میباشد و باو اختیار میدهد که قانون اساسی جدید فرانسه را روی پنج اصل مندرج در فرمان مورخ ۲ دسامبر ۱۸۵۱ تنظیم کند ؟ »

در فرانسو دوم در حدود ۷۵۰۰۰۰ نفر به سؤال لوئی ناپلئون جواب مثبت و نزدیک به ۶۵۰۰۰۰ نفر پاسخ منفی دادند.

پس از اعلام نتیجه فرانسو دوم لوئی ناپلئون کمیسیون تشکیل داد که بادر نظر گرفتن پنج اصل مذکور در فوق قانون اساسی جدیدی تنظیم و به تصویب وی برساند.

طرح قانون اساسی جدید در ۵ ماده بتاريخ ۱۴ ژانویه ۱۸۵۲ به تصویب لوئی ناپلئون رسیده و در ۲۹ مارس همانسال بموقع اجرا گذاشته شد.

مبحث دوم

ریاست جمهوری - وزراء

قانون اساسی ۱۴ ژانویه ۱۸۵۲ فرق زیاد با قانون اساسی سال هشتم جمهوری (۱۷۹۹) نداشت بدین معنی که قانون اساسی مزبور مانند قانون اساسی سال هشتم جمهوری منشأ و مبدأ اقتدارات دولتی را اراده ملی میدانست. باینکه قانون اساسی تنظیمی لوئی ناپلئون روی اصل حاکمیت ملی قرار گرفته و وی خود را مانند ناپلئون اول تعقیب کننده و دوام دهنده اصول انقلابی میدانست معذک ماده ۳ قانون اساسی «ورد بحث مقرر میداشت که رئیس جمهور بوسیله وزراء، شورای دولتی، سنا و هیئت نائونگذاری حکومت میکند.

از لحاظ ریاست قوه مجریه لوئی ناپلئون دارای اختیارات نامحدود بود بدین معنی

که وی وزرا و مأمورین نظامی و کشوری و اعضای شورای دولتی و سنا را عزل و نصب مینمود - فرماندهی نیروی نظامی با او بود - اعلان جنگ از وظائف رئیس جمهور بود - رئیس جمهور در زمان جنگ و ایام صلح در تمام قلمرو فرانسه یا قسمتی از خاک آن حکومت نظامی اعلام میکرد و فقط ملزم بود فرمان برقراری حکومت نظامی را باستحضار سنا برساند - رئیس جمهور قراردادهای صلح اتحاد نظامی و بازرگانی و غیره را منعقد میساخت - برای اجرای قوانین نظامنامه تنظیم و فرامین صادر میکرد - فرامین رئیس جمهور بدون امضای وزرا قابل اجرا بود .

از حیث دخالت در قوه مقننه رئیس جمهور لوایح قانونی تهیه و برای شور و تصویب به هیئت قانونگذاری ارسال میداشت . نمایندگان از حق پیشنهاد قانون ممنوع بودند .

رئیس جمهور حق انعقاد - تعطیل - تمدید و انحلال هیئت قانونگذاری را داشت و در صورت انحلال، هیئت قانونگذاری جدید بایستی در مدت ۶ ماه از تاریخ انحلال مجلس قبلی منعقد گردد .

رئیس جمهوری حق داشت بدون قید و شرط از تو شیخ و ابلاغ قوانین مصوب هیئت قانونگذاری خودداری کند . تصویب و اجرای مصوبات مجلس سنا نیز با او بود . قضاوت بنام رئیس جمهور بعمل میآید . انتخاب قضات با ریاست جمهور بود . رئیس جمهور حق عفو و تخفیف مجازات را داشت .

هر چند ماده پنجم قانون اساسی ۱۸۵۲ رئیس جمهور را در مقابل ملت مسئول میدانست ولی ماده مزبور و مواد دیگر قانون اساسی طرق و وسایل تعقیب او را معین نکرده بود . وزرا ، اعضای مجلس سنا - نمایندگان هیئت قانونگذاری - اعضای شورای دولتی - افسران نیروی زمینی و دریایی - قضات و سایر مستخدمین دولت سوگند وفاداری نسبت به قانون اساسی و شخص رئیس جمهور میدادند . مقرری سالیانه رئیس جمهور بموجب تصویبنامه سنا برای تمام دوره ریاست او معین میگردد . چنانچه رئیس جمهور قبل از انقضای دوره ده ساله فوت میکرد یا استعفاء میداد سنا از رأی دهندگان دعوت مینمود که با انتخاب رئیس جمهور جدید مبادرت کنند . رئیس جمهور حق داشت بموجب وصیتنامه سری که در مجلس سنا ضبط میشد يك نفر را به جانشینی خود در نظر گرفته و انتخاب او را از مردم خواستار شود . ماده ۱۸ قانون اساسی

مقرر میداشت که تا انتخاب رئیس جمهور جدید رئیس مجلس سنا با کمک وزراء مملکت را اداره خواهد کرد.

وزراء هیئتی تشکیل نمیدادند و بنا بر این مقام نخست وزیری وجود نداشت و وزراء گزارشهای خود را به رئیس جمهور تقدیم نموده از او دستور العمل دریافت میداشتند. هیئت قانونگذاری نمیتوانست وزراء را مورد استیضاح قرار دهد و آنها را با ابراز عدم اعتماد و ادار با استعفاء کند و حتی سؤالاتی از آنها بنماید. وزراء مجاز نبودند با حفظ مقام وزارت در هیئت قانونگذاری عضویت داشته باشند و همچنین حق نداشتند در جلسات هیئت قانونگذاری حضور بهم رسانیده از لوایح پیشنهادی دولت دفاع کنند. حق دفاع از لوایح دولتی بعهده اعضای شورای دولتی بود.

برای تهیه لوایح قانونی و تنظیم نظامنامه های اجرای قوانین مصوب هیئت قانونگذاری هیئتی بنام شورای دولتی دائر بود. علاوه بر وظائف مزبور شورای دولتی بعنوان يك محکمه عالی اداری اختلافات حاصله بین اشخاص و ادارات دولتی را حل و فصل میکرد. شورای دولتی وظائف خود را تحت نظر رئیس جمهور انجام میداد. عدد اعضای شورای دولتی حد اقل چهل و حد اکثر پنجاه نفر بود. وزراء بواسطه مقام خود در شورای دولتی عضویت داشتند.

نصب و عزل اعضای شورای دولتی با رئیس جمهور بود. شورای مزبور تحت ریاست رئیس جمهور جلسات خود را تشکیل میداد و در غیاب او اداره جلسات شورا بانایب رئیس بود که از طرف رئیس جمهور انتخاب میشد. بطوریکه در بالا اشاره شد چند نفر از اعضای شورای دولتی با انتخاب رئیس جمهور در هیئت قانونگذاری بنام رئیس جمهور از لوایح پیشنهادی دولت دفاع میکردند.

مبحث سوم

هیئت قانونگذاری - سنا

اعمال قوه مقننه با مجلسی بود موسوم به هیئت قانونگذاری (۱) که اعضای آن برای مدت شش سال انتخاب میشدند. انتخابات عمومی بود و در هر حوزه انتخابیه یک نفر بنمایندگی انتخاب میشد. دوره اجلاسیه بنایستی از سه ماه تجاوز کند. رئیس

و نواب رئیس هیئت قانونگذاری را رئیس جمهور انتخاب میکرد. نظامنامه داخلی هیئت مزبور را نیز رئیس جمهور تصویب مینمود. نمایندگان از خزانه دولت مقرری دریافت نمیداشتند. محتاج به تذکر نیست که در نتیجه عدم پرداخت مقرری اشخاصیکه بوسیله کار و هنر خود امرار معاش میکردند از انتخاب شدن به هیئت قانونگذاری محروم بودند.

نمایندگی هیئت قانونگذاری با استخدام دولتی مانع الجمع بود. جلسات هیئت قانونگذاری علنی بود ولی بنابتقاضای پنج نفر نماینده جلسه محرمانه تشکیل میشد. فقط صورت رسمی مذاکرات و تصمیمات هیئت قانونگذاری قابل انتشار در جراید بود. هیئت قانونگذاری لوایح قانونی را که شورای دولتی تهیه میکرد مورد مذاکره قرار داده آنها را تصویب یا رد مینمود. نمایندگان مجاز نبودند مواد اصلاحی به لوایح قانونی پیشنهاد نمایند مگر با جلب موافقت شورای دولتی. افراد مردم حق نداشتند از ظلم و تعدی مأمورین دولت به هیئت قانونگذاری شکایت کنند یا نظریات خود را راجع باصلاح قوانین مصوب و لزوم تدوین قوانین جدید باستحضار مجلس برسانند. منظور لوئی ناپلئون این بود که مردم با هیئت قانونگذاری تماس پیدا نکنند فقط برای حفظ ظاهر به مردم اجازه داده شده بود که شکایات خود را از مقامات دولتی و پیشنهادات خود را راجع باصلاح قوانین به مجلس سنا ارسال دارند.

بطوریکه در بالا اشاره شد قانون اساسی ۱۸۵۲ مقرر میداشت که انتخابات هیئت قانونگذاری بر اساس تعداد سکنه بعمل آمده و هر ۳۵۰۰ رأی دهنده یک نفر نماینده به هیئت مزبور خواهند فرستاد (مواد ۳۴ و ۳۵). مطابق ماده ۳۶ انتخابات عمومی و فردی بود و نمایندگان برای شش سال انتخاب میشدند.

نظر باینکه مقررات مذکور در فوق برای انجام انتخابات کافی نبود و چون بموجب ماده ۵۸ قانون اساسی مورد بحث از تاریخ کودتا (۲ دسامبر ۱۸۵۱) تا انعقاد هیئت قانونگذاری رئیس جمهور میتواندست بموجب فرامین (۱) وضع قوانین کند لذا لوئی ناپلئون بتاريخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ يك فرمان اساسی (۲) در خصوص شرایط رأی دادن

و انتخاب شدن و سایر مسائل مربوط با انتخابات را صادر کرد. علاوه بر امریه مزبور وی در ۲۰ فوریه ۱۸۵۲ امریه دیگری (۱) را جمع به اوراق رأی - کیفیت استخراج و شمارش آراء و غیره صادر نمود. فرق امریه اول با امریه دوم این بود که امریه اول فقط بوسیله قانون قابل تغییر بود در صورتیکه امریه دوم را رئیس جمهور میتواندست مورد تجدید نظر قرار دهد. بموجب امریه مورخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ عده نمایندگان دوره اول هیئت قانونگذاری ۲۶۱ نفر معین شده بود. همانطور که در ماده ۳۵ قانون اساسی مقرر گردیده بود هر ۳۵۰۰۰ رأی دهنده یک نفر نماینده انتخاب میکردند و چنانچه تعداد رأی دهندگان يك حوزه بالغ بر ۶۰۰۰۰ نفر بود در این صورت از آن حوزه دو نفر نماینده انتخاب میشود. الجزایر و ممرات فرانسه از حق انتخاب نماینده محروم بودند. هر يك از ایالات فرانسه بادر نظر گرفتن تعداد سکنه به چند حوزه انتخابیه تقسیم و در هر يك از آنها يك نماینده انتخاب میشود. انتخابات عمومی مستقیم و مخفی بود. تاریخ انتخابات بموجب فرمان رئیس جمهور معین میگردد. برای انتخاب شدن اکثریت مطلق آراء ضروری بود و در صورت عدم حصول چنین اکثریتی انتخابات تجدید میشود. برای رأی دادن ۲۱ سال عمر و لااقل شش ماه سکونت (قبل از تاریخ انتخابات) در حوزه انتخابیه ضرورت داشت. نظامیان فقط در محل سکونت دائمی خود و نه در محل خدمت حق داشتند در انتخابات شرکت کنند. اشخاصیکه بموجب احکام محاکم از حقوق مدنی و سیاسی محروم شده بودند و همچنین کسانی که برای سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، رباخواری، اختلاس اموال دولتی و جرائم مشابه محکومیت پیدا کرده بودند و نیز اشخاصیکه از تصرف در اموال خود ممنوع بودند و ورشکستگان بنقصیر و اولگردها بطور دائم و پاره محکومین فقط در ظرف مدت پنج سال از شرکت در انتخابات محروم بودند. مقامات وابسته اسامی اشخاصی را که واجد شرایط انتخاب کردن بودند تنظیم و اعلام میکردند. هر سال یک مرتبه در لیستهای تنظیمی تجدید نظر میشد و اشخاص ذمه لاقه حق داشتند به امنای صلح مراجعه و اصلاح لیستهای مورد اعتراض را خواستار شوند. احکام امنای صلح قابل تجدید نظر بود.

هر يك از رأی دهندگان در سن ۲۵ سالگی بدون شرط اقامت در حوزه مربوطه

میتوانست نمایندگی انتخاب شود. نمایندگی هیئت قانونگذاری با استخدام دولتی مانعة الجمع بود بدین معنی که مأمورین دولت میتوانند نمایندگی انتخاب شوند ولی پس از انتخاب شدن ملزم بودند از شغل دولتی استعفاء دهند و یا نمایندگی را قبول نکنند. پاره‌ای از مستخدمین دولت از قبیل رؤسا و دادستانهای محاکم استیناف - رؤسای محاکم حقوقی - دادستانهای جمهوری - رئیس کل گارد ایالت و سن - رئیس شهربانی (۱) - فرمانداران و بخشداران - روحانیون عالی‌مقام مذهب کاتولیک و پاره‌ای مأمورین دیگر در حوزه مأموریت خود از انتخاب شدن بطور مطلق ممنوع بودند.

قانون اساسی ۱۸۵۲ علاوه بر هیئت قانونگذاری هیئت دیگری نیز بنام سنا بوجود آورده بود. عده اعضای مجلس سنا در سال اول هشتاد نفر تعیین شده بود و این عده بر حسب ضرورت ممکن بود تا صد و پنجاه نفر افزایش یابد.

مارشالها، دریابانها و کاردینالها (۲) بواسطه مقام خود در سنا عضویت داشتند بعلاوه رئیس جمهوری و عده‌ای از بزرگان سیاسی و علماء و مأمورین عالی‌مقام نظامی و کشوری و قضات و مالکین و تجار و ارباب صنایع عمده بعضویت سنا انتصاب مینمودند. عضویت مجلس سنا مادام‌العمر بود. مجلس سنا در وضع و تصویب قوانین شرکت نداشته بلکه حافظ و نگهبان قانون اساسی بود و باین عنوان کلیه قوانین مصوب هیئت قانونگذاری را از لحاظ مطابقت با قانون اساسی رسیدگی میکرد و وظیفه داشت از اجرای قوانین مصوب که با قانون اساسی و مذهب و اخلاق و اصل برابری و اصل مالکیت شخصی و آزادی فردی مبیانت داشت جلوگیری کند بعلاوه سنا موظف بود با اجرای قوانینی که ممکن بود دفاع از خاک فرانسه را بخطر بیاندازد مخالفت کند و وظائف مذکور در فوق باندازه‌ای مهم بود که مجلس سنا میتواند به بهانه عدم مطابقت با قانون اساسی یا مبیانت با دیانت و اخلاق و حق مالکیت و اصل برابری و آزادی فردی و یا بالاخره بخطر انداختن دفاع کشور فرانسه از اجرای قوانین مصوب هیئت قانونگذاری جلوگیری کند و این وظیفه را مجلس سنا مستقلاً بدون تقاضای ریاست جمهور یا مقام دیگری انجام میدهد.

علاوه بر وظایف مندرج بالا مجلس سنا دارای وظایف مهم ذیل بود :

- ۱- بنای تقاضای دولت یا اشخاص کلیه مقررات لازم الاجرا را که ناقض قانون اساسی بود باطل میگرد.
- ۲- قوانین مربوط به الجزایر و مستعمرات فرانسه را تصویب مینمود.
- ۳- همانطور که قانون اساسی سال هشتم جمهوری (۱۳ دسامبر ۱۷۹۹) منظور داشته بود قانون اساسی ۱۸۵۲ نیز به سنا حق میداد مقرراتی که در قانون اساسی تصریح نشده ولی برای اجرای آن ضرورت داشت وضع کند.
- ۴- حق تفسیر قانون اساسی با مجلس سنا بود.
- ۵- بشرط موافقت قوه مجریه مجلس سنا حق داشت بعضی مواد قانون اساسی را تغییر دهد و چنانچه تغییرات مورد نظر مربوط به یکی از اصول پنجگانه مندرج در امریه ۲ دسامبر ۱۸۵۱ بود در اینصورت و فقط در این مورد مصوبات سنا میبایست به فراندوم ارجاع و به تصویب ملت برسد.
- ۶- در صورت انحلال هیئت قانونگذاری، بر حسب ضرورت بنای تقاضای دولت مجلس سنا میتواند قوانینی برای حسن جریان امور وضع کند.

مبحث چهارم

دیوان عالی دادگستری

ماده ۵۴ قانون اساسی ۱۸۵۲ برای رسیدگی به توطئه و سوء قصد نسبت به رئیس جمهور و جنحه و جنایت بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور یک محکمه عالی دادگستری تأسیس کرده بود که بموجب فرمان ریاست جمهور منقذ میگردد. ماده ۵۵ قانون اساسی به مجلس سنا مأموریت داده بود که بوسیله تصویبنامه طرز تشکیل دادگاه مزبور را معین کند. با توجه بماده مزبور مجلس سنا بتاريخ ۱۰ ژوئیه سال ۱۸۵۲ تصویبنامه‌ای در ۲۲ ماده تنظیم و به موقع اجرا گذاشت. بموجب تصویبنامه مزبور دیوان عالی دادگستری دارای دو شعبه اتهام (۱) و محاکمه (۲) بود. هر یک از شعب دارای پنج عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل بود که رئیس جمهور از بین

۱ - Chambre des mises en accusation

۲ - Chambre de jugement

مستشاران دیوان کشور تعیین مینمود بعلاوه رئیس جمهور رؤسای شعب را انتخاب میکرد. رئیس جمهور دادستان دیوان عالی دادگستری را برای مدت یکسال و سایر اعضای دادرسی دادگاه مزبور برای هر مجاز که تعیین مینمود. دادرسی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد. هیئت مزبور سی و شش نفر عضو اصلی و چهار عضو علی البدل داشت که بحکم قرعه از بین اعضای شوراهای شهرستانها انتخاب میشدند. دادگاه عالی دادگستری تشکیل نمیکردید مگر بموجب امریه رئیس جمهور. اگر عقیده شعبه اتهام بر بی تقصیری متهم بود قرار منع تعقیب ویرا صادر مینمود و برعکس اگر شعبه مزبور عمل متهم را متضمن جرائم پیش بینی شده در ماده ۵۴ قانون اساسی تشخیص میداد او را برای مجاز که به شعبه دوم (دادرسی) معرفی میکرد. قرار شعبه اتهام قطعی و غیر قابل اعتراض بود. چنانچه شعبه اتهام پرونده را قابل رسیدگی در دیوان عالی دادگستری میدانست رئیس جمهور دستور انعقاد شعبه دوم را صادر و تاریخ و محل تشکیل جلسات آنرا تعیین میکرد. در ظرف مدت ده روز از تاریخ صدور فرمان ریاست جمهور اعضای اصلی و علی البدل هیئت منصفه انتخاب میشدند. عضویت هیئت منصفه با مقام وزارت عضویت مجلس سنا و شورای دولتی و هیئت قانونگذاری مانع الجمع بود. تصمیمات هیئت منصفه مبنی بر بی گناه یا مقصر بودن متهم با کثرت بیست رأی اتخاذ میشود. دیوان عالی دادگستری بر طبق قانون جزا دادرسی میکرد. احکام محکمه مزبور قطعی و غیر قابل استیناف و تمیز بود.

مبحث پنجم

تبدیل رژیم جمهوری به حکومت سلطنتی. دوره اصلاحات
 باینکه بموجب قانون اساسی ۱۴ ژانویه سال ۱۸۵۲، فرانسه رسماً يك دولت جمهوری بود ولی در معنی سازمان سیاسی آن کشور فرق محسوس و قیابل توجهی با حکومت سلطنتی نداشت زیرا قوه مجریه تماماً در دست لوئی ناپلئون بود و وزیران هیچگونه مسئولیتی در مقابل هیئت قانونگذاری نداشتند بعلاوه رئیس جمهور حق انعقاد و تمدید و تعطیل و انحلال مجلس را داشت و مجاز بود از حق وتوی مطلق استفاده کرده قوانین مصوب هیئت قانونگذاری را توشیح و ابلاغ نکند. لوئی ناپلئون بی بهانه میگشت آنچه را که عملاً وجود داشت تسجیل کرده و بصورت حکومت

سلطنتی در بیاورد. به منظور اجرای نقشه مزبور نامبرده در ماه اکتبر ۱۸۵۲ مسافرتی به ولایات کرد و مردم استقبال شایانی از او نمودند و الغاء رژیم جمهوری و استقرار رژیم سلطنتی را خواستار شدند و در نتیجه این تظاهرات مجلس سنا بنا به پیشنهاد جمعی از اعضاء خود در جلسه ۷ نوامبر ۱۸۵۲ تصویبنامه‌ای صادر نمود که به موجب آن حکومت جمهوری در فرانسه به حکومت سلطنتی تبدیل میشد و لوئی ناپلیون بوناپارت بنام ناپلئون سوم بمقام امپراطوری ارتقاء یافته و بعد از او سلطنت فرانسه به اولاد ذکور وی میرسید و این تصویبنامه مجلس سنا بهر فراندوم ارجاع و در ۲۱ و ۲۲ ماه نوامبر ۱۸۵۲ با کثرت ۷۸۲۴۱۸۹ رأی موافق در مقابل ۲۵۳۱۴۵ مخالف به تصویب رسید و در ۲ دسامبر ۱۸۵۲ ابلاغ گردید و تمام دول که با فرانسه روابط سیاسی داشتند لوئی ناپلئون را بعنوان امپراطور فرانسه شناختند و فقط الکساندر دوم (۱) امپراطور روسیه بتصور اینکه ناپلئون سوم سیاست ناپلئون اول را تعقیب نموده و سائل جنگ با روسیه و سایر ممالک اروپا را فراهم خواهد ساخت چندی از شناسائی رژیم جدید فرانسه خودداری میکرد. قانون اساسی مورخ ۱۴ ژانویه سال ۱۸۵۲ با پاره‌ای تغییرات حاصله از تبدیل حکومت جمهوری به رژیم سلطنتی و اصلاحاتی که بمنظور تقویت و توسعه اختیارات امپراطور بعمل آمده بود بقوت خود باقی ماند.

و اما بر اثر شکست فرانسه در مکزیك و مشکلات خارجی دیگر، ناپلئون سوم ناگزیر به تغییر سیاست داخلی خود گردیده اختیارات خود را بطور محسوس محدود نمود و امتیازات بیشتری برای هیئت قانونگذاری و سنا قائل شد بشرح اینکه به موجب فرمان ۲۴ نوامبر ۱۸۶۰ به مجالس حق داد از وزراء سؤالاتی راجع به سیاست داخلی و خارجی دولت بکنند و همچنین بموجب فرمان مذکور در فوق به هیئت قانونگذاری اجازه داده شد که بودجه هر يك از وزارتخانه‌ها را جداگانه تصویب نماید در صورتیکه پیش از صدور فرمان مزبور هیئت قانونگذاری بودجه کل کشور را چهار دیواری تصویب یابد میکرد و نیز فرمان ۱۸۶۰ به مجالس حق داد که صورت مذاکرات خود را بدون هیچگونه محدودیتی منتشر کنند. طبق امری به ۱۹ ژانویه ۱۸۶۷ هیئت قانونگذاری سنا مجاز گردیدند دولت را استیضاح کنند. تصویبنامه مورخ ۸ نوامبر ۱۸۶۹ در ۲۰ آوریل ۱۸۷۰ مجلس سنا که در ۸ ماه مه سال ۱۸۷۰ بهر فراندوم ارجاع شده

بود تغییرات مهمتری در قانون اساسی ۱۸۵۲ بعمل آورد بدین معنی که به مجلس اجازه داده شد اعضای هیئت رئیسه خود را انتخاب کنند و طرحهای قانونی تهیه و بتصویب برسانند بعلاوه وزراء هیئتی تحت ریاست امپراطور تشکیل دادند و مسئول مجلسین شناخته شدند و نیز به مردم اجازه داده شد که به هیئت قیابونگذاری و مجلس سنا تظلم کنند. بموجب ماده ۲۴ تصویبنامه ۲۱ ماه مه سال ۱۸۷۰ مجلس سنا تجدیدنظر در قانون اساسی مستلزم پیشنهاد امپراطور و تصویب مردم بود و جلسات هر دو مجلس علنی گردید در صورتیکه مطابق قانون اساسی ۱۸۵۲ جلسات مجلس سنا محرمانه بود.

فصل ششم

قوانین اساسی ۱۸۷۵

مبحث اول

تغییر رژیم - تشکیل حکومت موقت

گینیت، تروپ، قوانین اساسی جدید

پس از انتشار خبر شکست فرانسه در سدان (۱) و تسلیم ناپلئون سوم با یک ارتش صد هزار نفری به سپاه فاتح روس (۲) یک عصیانیت و غوغای بی سابقه‌ای در پاریس و شهرستانهای فرانسه ایجاد شد. بمنظور جلوگیری از تغییر رژیم هیئت وزیران به پارلمان پیشنهاد کرد که یک شورای سلطنتی با انتخاب هیئت قانونگذاری تشکیل گردد تا در غیاب امپراطور، فرانسه را بنام و از طرف وی اداره کند. هنگامیکه این پیشنهاد در هیئت قانونگذاری مطرح بود مخالفین حکومت سلطنتی به سرپرستی گامبتا (۳) ژول فاورد (۴) و ژول فرری (۵) طالار جلسات هیئت قانونگذاری را اشغال و خلع ناپلئون را از سلطنت اعلام نمودند سپس عازم کاخ شهرداری (۶) پاریس شده یک حکومت موقت (۷) مرکب از گامبتا، ژول فاورد، ژول فرری، آراگو، ژول سیمون (۸) و چند رجل نامی دیگر تشکیل دادند.

در ۴ سپتامبر حکومت موقت اعلامیه‌ای صادر نمود که بموجب آن حکومت امپراطوری در فرانسه ملغی و رژیم جمهوری برقرار گردید. در همان روز هیئت قانونگذاری و مجلس سنا منحل گردید و چهار روز بعد یعنی در ۸ سپتامبر حکومت موقت امریه دیگری صادر نمود که مطابق آن مقرر گردید که مردم فرانسه طبق قانون انتخابات در ۳ مارس ۱۸۴۹ هفتصد و پنجاه نماینده به مجلس ملی انتخاب کنند. انتخابات در ۸ ماه آوریل ۱۸۷۱ بعمل آمد و مجلس ملی بتاريخ ۱۲ فوریه در شهر بوردو (۹) منعقد گردید.

Prusse - ۲	Sedan - ۱
Jules Favre - ۴	Gambetta - ۳
Hôtel de Ville - ۶	Jules Ferry - ۵
Jules Simon - ۸	Gouvernement provisoire - ۷
	Bordeaux - ۹

حکومت موقت در اولین جلسه مجلس ملی استعفای خود را تقدیم و مجلس مزبور حکومت دیگری بنام حکومت دفاع ملی (۱) تشکیل داد. مجلس ملی علاوه بر تشکیل حکومت دفاع ملی و نظارت در عملیات آن و تصویب قوانین متعارفی و رسیدگی بامور دیگر وظیفه داشت که قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و تصویب کند ولی تهیه و تصویب قانون اساسی جدید پنج سال جریان داشت. علت عمده این امر آنست که از هفتصد و پنجاه نفر نماینده مجلس ملی در حدود چهارصد و هشتاد نفر طرفدار حکومت سلطنتی بودند ولی بین آنها توافق نظر نسبت به پادشاه آینده وجود نداشت بدین معنی که عده‌ای موسوم به طرفداران سلطنت مشروع (۲) در حدود صد و پنجاه نفر از سلسله ارشد خاندان بوربون جانب‌داری کرده و کنت دوشامبرون (۳) نوه شارل دهم پادشاه مخلوع فرانسه را به سلطنت فرانسه پیشنهاد می نمودند. دسته دوم معروف به اورلانست (۴) که عده آنها بالغ بر سیصد نفر بود هواخواه سلسله اصغر خاندان بوربون بوده و کنت دوپازی (۵) نوه لوئی فیلیپ را پادشاه فرانسه می شناختند و بالاخره نزدیک به سی نفر از نمایندگان مجلس ملی طرفدار تجدید سلطنت خاندان ناپلئون بودند. بقیه دو بیست و هفتاد نفر باینکه ظاهراً از حکومت جمهوری طرفداری می کردند ولی در مسائل مهم مربوط به طرز تشکیل حکومت جمهوری و حدود وظائف ریاست جمهوری و روابط وی با پارلمان و حدت نظر بین آنها وجود نداشت و در نتیجه این اختلافات بود که تنظیم و تصویب قانون اساسی جدید فرانسه پنج سال بطول انجامید مضافاً باینکه نمایندگان مجلس ملی تعهد کرده بودند که تا تخلیه خاک فرانسه از نیروی آلمان و اعاده وضع عادی از تصویب قانون اساسی جدید خودداری کنند و این تعهد موسوم به میثاق بوردو (۶) میباشد.

بطوریکه در بالا اشاره شد در جلسه مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۷۱ هجری بمورد مخ معروف و یکی از رهبران مؤثر مناومت ملی بر ریاست قوه مجریه انتخاب گردید. هجری بمورد دارای نفوذ فوق العاده در داخل فرانسه بود و در اثر همین نفوذ فوق العاده وی از ۲۶ شهرستان نمایندگان انتخاب شده بود. علاوه او بواسطه مخالفت با جنگ در محافل بین المللی

Gouvernement de la Défense nationale - ۱

Comte de Chambrai - ۳

Comte de Paris - ۵

Légitimistes - ۲

Orléanistes - ۴

Pacte de Bordeaux - ۶

دارای معروفیت کم نظیر بود و این معروفیت در موقع انعقاد قرارداد صلح با آلمان ممکن بود مورد استفاده قرار گیرد. چون قانون مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۷۱ م. مدتی برای ریاست «تییر» قائل نشده بود و از طرفی هم نامبرده در مسائل مربوط به سیاست عمومی دولت مسئول مجلس ملی شناخته میشد از این رو مجلس حق داشت با ابراز عدم اعتماد او را از مقام ریاست جمهوری معزول کند. بموجب قانون مورد بحث «تییر» علاوه بر ریاست قوه مجریه و ریاست هیئت وزیران نمایندگی مجلس ملی را نیز دارا بود.

در ۳۱ اوت ۱۸۷۱ قانون دیگری به تصویب رسید که بموجب آن مجلس ملی عنوان ریاست جمهوری را تا آخر دوره مجلس برای «تییر» قائل شد و چون طبق ماده ۳ قانون جدید «تییر» مسئول مجلس ملی بود از این رو مجلس مانند سابق میتواند او را از مقام ریاست جمهوری منفصل کند. ماده ۲ قانون مذکور در فوق به تنها رئیس جمهور بلکه وزراء را نیز در قبیل قوه مقننه مسئول دانسته و رئیس جمهور را ملزم میکرد که احکام و سایر اقدامات خود را قبل از اجراء بامضای یکی از آنها برساند. «تییر» که مخالف جدی حکومت سلطنتی بود و اصرار داشت که وزراء او نیز طرفدار حکومت جمهوری باشند در ۱۸ ماه مه ۱۸۷۳ وزراء سلطنت خواه را از هیئت دولت طرد و بجای آنها چند نفر جمهوریخواه را بوزارت انتخاب کرد و بدین ترتیب یک کابینه بکنواخت (۱) تشکیل داد و در ۱۹ همان ماه طرح قانون اساسی جدید را که بر اساس رژیم جمهوری تدوین شده بود جهت شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کرد. در ۲۳ ماه مه دوک دو بروئی (۲) که یکی از سلطنت طلبان متنفذ بشمار میرفت «تییر» را بواسطه طرح قانون اساسی پیشنهادی وی مورد استیضاح قرار داد و روز بعد رئیس جمهوری در جلسه مجلس حاضر شده و ضمن جواب به استیضاح «دو بروئی» اظهار داشت که استقرار حکومت سلطنتی در فرانسه غیر مقدور است چه تخت و تاج را نمیتوان به سه قسمت تقسیم کرده هر یک از قسمتهای سه گانه را به یکی از مدعیان سلطنت واگذار نمود. پس از استماع جواب «دو بروئی» مجلس ملی که اکثریت آنرا مخالفین رژیم جمهوری تشکیل میدادند با اکثریت ۳۴۴ رأی در مقابل ۳۴۳ مخالف نسبت با ابراز عدم اعتماد نموده و وی را وادار

باستعفاء کردند و در همانروز مارشال ماك ماهون (۱) با کثرت ۳۹۱ رأی موافق در قبال يك مخالف و ۳۳۰ ممتنع که منسوب به احزاب چپ بودند بریاست جمهوری انتخاب شد.

و اما برخلاف ترتیب معموله در زمان ریاست جمهوری «تی بر» قانون ۲۰ نوامبر ۱۸۷۳ مارشال ماك ماهون را از لحاظ سیاسی مسئول مجلس ملی نمیدانست بدین معنی که تا آخر دوره هفت ساله وی مجلس مجاز نبود او را از مقام ریاست جمهوری معزول کند و فقط وزراء در مقابل مجلس ملی مسئول بوده و مجلس با رأی عدم اعتماد میتواند هیئت دولت یا بعضی از اعضا، آنرا و ادار به کناره گیری کند. نظر باینکه مارشال ماك ماهون در امور سیاسی اطلاعات لازم و تجربه کافی نداشت از این جهت اداره امور را به وزراء خود واگذار کرده بود از طرفی هم چون قوه بیان نداشت از حضور در جلسات مجلس اجتناب نموده بوسیله پیام بانمایندگان تماس میگرفت. پس از خاموش کردن عصیان عناصر هرج و مرج طلب پاریس (۲) و انعقاد قرارداد صلح با آلمان و پرداخت غرامت جنگ و تخلیه خاک فرانسه از ارتش فاتح آلمان و اعاده اوضاع عادی و استقرار آرامش، مجلس ملی در ماه نوامبر ۱۸۷۳ يك کمیسیون سی نفری برای تهیه طرح قوانین اساسی جدید فرانسه انتخاب کرد. مطالعات این کمیسیون که اکثریت آنرا سلطنت طلبان اعتدالی تشکیل میدادند در حدود چهارده ماه طول کشیده و در ۲۱ ماه ژانویه ۱۸۷۵ مجلس ملی به شور در طرح تنظیمی کمیسیون مبادرت نمود. جمعی از سلطنت طلبان بعزت اختلافات موجوده بین آنها ناچار تمایل خود در نسبت به حکومت جمهوری ابراز داشتند مشروط بر اینکه پارلمان فرانسه دارای دو مجلس بوده و دخالت رئیس جمهور در امور مملکتی حتی المقدور زیاد باشد. در ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ قانون تشکیل مجلس سنا، در ۲۵ همان ماه قانون سازمان قوای عالیه کشور و در ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ قانون مربوط به روابط قوای عالیه کشور از تصویب مجلس ملی گذشت. قوانین اساسی ۱۸۷۵ که مشتمل بر ۳۴ ماده بود مختصرترین و کوتاهترین قوانین اساسی نه تنها فرانسه بلکه تمام ممالک دنیا بشمار میرود.